

جهان‌شهر

پنجشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۳

شماره ۴۳۳۱

فصلنامه

FARHIKHTEGANDAILY.COM

فصلنامه

FARHIKHTEGANONLINE

چرا واشنگتن افراط‌گرایان فرامرزی را از لیست گروه‌های تروریستی خارج می‌کند؟

نیروهای غیرسوری؛ سربازان آمریکا علیه چین و روسیه

محمدرضا بابایی

پژوهشگر مسائل بین‌الملل

در جریان قیام‌های موسوم به بهار عربی، نظم اغلب کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا دچار دگرگونی و تحول سیاسی بنیادین شد؛ سوریه نیز از این قاعده مستثنی نبود. اعتراضات مردمی در مارس ۲۰۱۱ علیه فساد سیاسی و مشکلات اقتصادی در عرض چهارماه به‌یک جنگ داخلی مبدل شد. خلأهای سیاسی و امنیتی ایجادشده درنتیجه این درگیری و ناآرامی‌ها، سوریه را به یک مقصد مهم برای مهاجرت افراط‌گرایان خارجی تبدیل کرد. با توجه‌به تعدد کتشرگان و باز یگران غیردولتی درگیر در جنگ سوریه، اهداف و ایدئولوژی‌های مختلف و بعضاً جدا از یکدیگر این افراط‌گرایان، آن‌ها را برای هجرت به سوریه ترغیب کرد.

□ □ □

■ **سوریه: قطب بنیادگرایی برون مرزی**

فضای سیاسی و نظامی سوریه به‌ویژه از ۲۰۱۲ به بعد که عملاً بخش‌های مهمی از کشور خارج از سیطره دولت مرکزی قرار گرفت، بسیار مشابه فضای حاکم بر افغانستان در دهه ۱۹۸۰ بود؛ فضایی برای تولید و بازتولید قرانت‌های جدید و قدیم از اسلام سیاسی، جهاد و تعامل با مقتضیات سیاسی- اجتماعی جدید که مسلمانان به‌نوعی با آن درگیر بودند. مناطق تحت‌سیطره مخالفان مسلح میزبان هزاران افراط‌گرا از ملیت‌های مختلف بود که انگیزه‌های مختلفی از سفر یا به‌زعم خود هجرت به سوریه داشتند. در میان گره‌های سلفی چندملیتی، بیش از همه حضور نیروهای او یغور و چچنی به مسئله تأمل‌برانگیزی برای بازیگران فروملی و فراملی درگیر در جنگ داخلی سوریه تبدیل شده است.

■ **حزب اسلامی ترکستانی: عنوان قدیم جدید**

برای بررسی سیر تکامل پیکارجویان او یغور و نقش آن‌ها در جنگ سوریه باید به افغانستان دهه ۱۹۹۰ بازگردیم. سقوط کابل و سرنگونی دولت مجاهدین توسط طالبان در اواسط این دهه، افغانستان را به الگوی برای پیاده‌سازی نظام دینی مطلوب ستیزه‌جویان چندملیتی مبدل کرد. از این رو قدرت گرفتن طالبان در افغانستان، این کشور را به یک مقصد جذاب برای ستیزه‌جویان او یغور ساکن اقلیم سین کیانگ در غرب چین تبدیل کرد. حزب اسلامی ترکستانی که در سال ۱۹۸۸ تأسیس شد و مدت کوتاهی بعد از به قدرت رسیدن طالبان، تمام اعضای این حزب به افغانستان نقل مکان کردند. رهبران حزب هدف اصلی این حزب را آزادسازی ایالت مسلمان‌نشین سین‌کیانگ (موسوم به ترکستان شرقی) از سلطه چین اعلام کردند.^۱ موقعیت ژئو پلیتیکی متمایز و ممتاز افغانستان، این کشور را به یکی از مراکز مهم آموزش و تسلیح پیکارجویان او یغور و نقطه اطلاق بسیاری از عملیات‌های تروریستی در چین بین دهه ۱۹۹۰ وده نخست ۲۰۰۰ مبدل کرد. بعد از حمله نظامی نیروهای ائتلاف به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و سقوط دولت طالبان، حضور عمده نیروهای حزب اسلامی ترکستانی به منطقه مرزی وزیرستان در پاکستان محدود شد. سقوط طالبان و حضور نظامی نیروهای ناتو در افغانستان ضربه بزرگی به ظرفیت‌ها و توان نظامی و اقتصادی ستیزه‌جویان او یغور وارد کرد؛ در این پوره حزب اسلامی ترکستانی اغلب رهبران و فرماندهان کلیدی خود را از دستت داد و تعداد عملیات‌های تروریستی این حزب در خاک چین، کاهش قابل توجهی پیدا کرد.

■ **سوریه: مهاجر جدید پیکارجویان او یغور**

جنگ داخلی سوریه و خلأ قدرت موجود در این کشور، سوریه را به بهشتی برای نفوذ و حضور گروه‌های سلفی- تروریستی چندملیتی تبدیل کرد. حزب اسلامی ترکستانی، فضای حاکم بر سوریه را بستر مناسبی برای سازماندهی مجدد و به‌دست آوردن منابع مالی جدید می‌دید؛ البته ناگفته نماند روابط دیپلماتیک حسنه میان سوریه و چین و حمایت‌های سیاسی پکن از حکومت سابق دمشق یکی از عوامل مهمی بود که سستیزه‌جویان او یغور را به سوریه سوق داد. نشانه‌های حضور فعال جنگجویان او یغور در سوریه به اواسط سال ۲۰۱۴ بازمی‌گردد.^۲ در بین نیروهای چندملیتی، حزب اسلامی ترکستانی از متحدان کلیدی جبهه النصره (هیئت تحریرالاشام) است. تشکیل ائتاق عملیات مشترک «جیش الفتح» در مارس ۲۰۱۵ در شمال سوریه و پیروزی‌های چشمگیر این ائتلاف که حزب اسلامی ترکستانی در آن حضور داشت؛ مسئله حضور پیکارجویان او یغور در سوریه را در رسانه‌های عربی و جهانی برجسته کرد.

■ **قصه یک فرود و فراز**

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵، نقطه تحولی در تاریخ جنگ داخلی سوریه بود؛ در این روز روسیه عملیات نظامی خود را علیه گروه‌های مسلح مخالف آغاز کرد و با این اقدام عملاً توانست بقای حکومت دمشق را برای حدود یک دهه تضمین کند. حضور نظامی روس با معادلات جنگ را تا حد زیادی به نفع دولت مرکزی تغییر داد و مخالفان مسلح بیشتر در نقش مدافع قرار گرفتند تا مهاجم. از زمان آغاز عملیات نظامی روسیه علیه مخالفان سوری تا مارس ۲۰۲۰ که شاهد یک آتش‌بس شبه پایداري در شمال سسوریه بین مخالفان و حکومت اسد بودیم، به تدریج مسئله حضور جنگجویان او یغور در سوریه کم رنگ شد و تنها به یک‌سرو فعالیت‌های رسانه‌ای مرتبط به بازوی رسانه‌ای حزب اسلامی ترکستانی محدود شد.

خارج کردن حزب اسلامی ترکستانی از لیست سیاه تروریستی ایالات متحده آمریکا در اواخر سال ۲۰۲۰ نقطه تحول مهمی برای جنگجویان او یغور مستقر در سوریه به‌شمار رفت. این حزب از سال ۲۰۲۲ و در سایه جنگ همه‌جانبه آمریکا علیه

چرا واشنگتن افراط‌گرایان فرامرزی را از لیست گروه‌های تروریستی خارج می‌کند؟

نیروهای غیرسوری؛ سربازان آمریکا علیه چین و روسیه



و شریعت بر تمام سرزمین‌ها حاکم شود. اما نقطه مشترک جنگجویان چچنی عضو جبهه النصره با دیگر نیروهای قفقازی مستقل در این است که اغلب آن‌ها قاتل به تحکیم شریعت یا ایجاد یک حکومت اسلامی نبودند، بلکه از رویکرد‌ها و قرانت‌های سلفی‌ها به‌عنوان ابزار یا پاسخ به سیاست‌های روسیه در قبال قفقاز و دیگر جمهوری‌های مسلمان‌نشین این کشور استفاده می‌کردند. بعد از انحلال جبهه النصره و فک ارتباط با القاعده و تأسیس هیئت تحریرالاشام، چچنی‌های مستقر در شمال سسوریه به گروه‌های قفقازی مستقل ملحق شدند؛ البته تعداد انگشت‌شماری از آن‌ها همچنان به القاعده وفادار ماندند و به گروه هراس‌ال‌الدین (شاخه جدید القاعده در سوریه) پیوستند.

■ **حضور نظامی روسیه در سوریه: سیاست مهار نیروهای جمهوری‌های سابق**

نگرانی روسیه از حضور قابل توجه نیروهای سلفی جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی، مسکو را بر آن داشت تا به‌طور مستقیم وارد جنگ سوریه شود. مسلمانان قفقاز و جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه غالباً از فقر و تبعیض و سرکوب حکومت‌های محلی و مرکزی رنج می‌برند و این امر به یک کاتالیزور مهمی برای پیوستن مسلمانان این مناطق به گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال است.^۳ البته نباید تجربه جنگ‌های اول و دوم چچن را نادیده گرفت که به‌سان زخمی است که هنوز التیام نیافته است. مسکو در صدد بود با آغاز عملیات نظامی فراگیر در سوریه علاوه بر تضعیف مخالفان سسوری و تثبیت جایگاه دولت دمشق، به نفوذ و قدرت‌گیری ستیزه‌جویان رادیکال چچنی خاتمه دهد، زیرا بازگشت این نیروها به کشورشان می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری برای مسکو به ارمغان بیاورد.

تضعیف قدرت داعش در عراق و سوریه- که میزبان تعداد قابل توجهی از پیکارجویان قفقازی بود- از یکسو و حضور نظامی روس‌ها در سوریه تا حدودی معادلات قدرت را به سود دولت سوریه تغییر داد و مخالفان سوری و نیروهای چندملیتی متحد آن‌ها را نیز به حاشیه راند. اما دو تحول مهم در خاورمیانه و اوپوای شرقی دامنه نگرانی‌های امنیتی روسیه را نسبت به جنگجویان چچنی تبار افزایش داد. حمله نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ در سایه آتش‌بس شکننده میان مخالفان سوری و دولت آغاز شد؛ این امر باعث شد بخش قابل توجهی از ستیزه‌جویان چچنی تبار مستقل در سوریه که تحت‌لوی «اجداد قوزاق» قرار داشتند، به نیروهای اوکراینی در جنگ علیه روسیه در جبهه‌های شرق این کشور منتقل شوند. دومین و مهم‌ترین تحول، سقوط حکومت اسد، متحد مسکو بود که می‌تواند سوریه را به یک پایگاه نفوی برای جنگجویان قفقازی تبدیل کند. حکومت جدید دمشق بر خلاف انتظار، تمایل خود را برای باز نگه داشتن کانال‌های دیپلماتیک بین دمشق و مسکو ابراز کرد و در مقابل، روسیه حکومت جدید را به رسمیت شناخت. این روابط فیمابین اگرچه ناشی از اضطرار است، اما مسکو می‌تواند نوعی بازدارندگی سیاسی در برابر نیروهای قفقازی ایجاد کند.

■ **سقوط اسد: بزنگاهی حساس برای بنیادگرایان فرامرزی**

سقوط حکومت اسد آن هم بعد از چهارسال و نیم آتش‌بس شکننده میان دولت سابق سوریه و مخالفان سوری، بار دیگر مسئله نقش جایگاه افراط‌گرایان غیرسوری مستقر در سسوریه را در رسانه‌ها و مطبوعات مطرح کرد. فضای سیاسی جدید حاکم بر سوریه یک بزنگاه تاریخی حساس و چالش و فرصت برای نیروهای فرامرزی رقم می‌زند که این امر تا حد زیادی بستگی به رویکرد دولت جدید سوریه نسبت به عناصر غیرسوری دارد که در ایامی به‌چندان دور، همسنگر آن‌ها در جنگ علیه حکومت اسد و متحدان آن بودند. برخی نیروهای غیرسوری عضو هیئت

چرا واشنگتن افراط‌گرایان فرامرزی را از لیست گروه‌های تروریستی خارج می‌کند؟

نیروهای غیرسوری؛ سربازان آمریکا علیه چین و روسیه



تحریرالاشام یا حتی ستیزه‌جویان مستقل به دو جریان مجزا تقسیم می‌شوند. برخی از این نیروها بعد از صدور حکم عفو عمومی و وعده انتخابات آزاد توسط دولت جدید سوریه به‌تعامل با کشورهای منطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی، دچار نوعی سرخوردگی و شکست ایدئولوژیک شدند، زیرا این طیف از افراط‌گرایان غیرسوری از حکومت جدید انتظار داشتند حداقل در چهارچوب مرزهای بین‌المللی سوریه، یک امارت اسلامی تشکیل شود. از سوی دیگر این طیف مواضع بسیار تندی نسبت به اقلیت‌های مذهبی و غیر مسلمانان دارند و این مسئله حکومت نوپای دمشق را نگران می‌کند، زیرا در حال حاضر آمادگی برای مواجهه با اختلافات درون‌گروهی و فشار‌های بین‌المللی به‌خاطر سیاست‌های خصمانه نسبت به اقلیت‌ها را ندارد.

از سوی دیگر، فضای سیاسی جدید در سوریه می‌تواند یک فرصت بی‌نظیر برای طیف میانه‌رو نیروهای فرامرزی نزدیک به حکومت جدید سسوریه باشد که بخشی از آن‌ها چچنی و او یغورند که برخی از آن‌ها نیز در حکومت جدید دمشق صاحب مناصب نظامی شدند. این امر اتقادات برخی طیف‌های سیاسی سوری را به‌همراه داشت. برای درک عمیق این مسئله باید به نوامبر ۲۰۲۰ بازگردیم، زمانی که ایالات متحده آمریکا گروه موسوم به حزب اسلامی ترکستان را- که متشکل از او یغورهای چین است- از لیست سازمان‌های تروریستی خارج کرد. این گروه زیرمجموعه هیئت تحریرالاشام است. خارج کردن حزب اسلامی ترکستانی از لیست سیاه واشنگتن را می‌توان اهرم فشاری علیه چین در میان مدت یا بلندمدت تعبیر کرد. البته این نکته را نباید اضافه کرد که ایالات متحده با خارج کردن برخی از این گروه‌ها از لیست تروریسم سسمی دارد آن‌ها را به اتخاذ مواضع تعدل‌تر ترغیب کند یا مانع از ظهور مجدد داعش و تکرار سناریوی سقوط موصل شود. حمله نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ نیز یکی دیگر از عواملی بود که بر رویکرد نیروهای غیرسسوری تأثیر گذاشت. برخی از این طیف‌ها که هدفشان صرفاً در مبارزه و انتقام از دولت‌های متبوع خود خلاصه می‌شدد و سوریه را یک ایستگاه موقت می‌دانستند به اوکراین رفتند و در جبهه‌های نبرد علیه روسیه مشارکت کردند، بخش اعظم این نیروها چچنی تبار هستند. به‌طور کلی، ایالات متحده آمریکا و کشورهای ناتو این طیف غیرسوری یا فرامرزی را کم‌خطرتر از گروه‌هایی مثل داعش می‌دانند و در صددند با سیاست‌های تشویقی مانند خارج کردن اسامی آن‌ها از لیست گروه‌های تروریستی، به‌نوعی روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کنند تا آنان علیه کشورهای مثل چین و روسیه یا گروه‌های رادیکال‌تر استفاده کنند.

■ **پی‌نوشت**

۱- مجهر بلتفرم. «من الصین الی سسوریا.. تحقیق برصد تحركات «الحزب التركستاني» وعلاقته بترکیا و التنظيمات الراهبیه».

۲- منبع سابق.

۳- مرکز الخطابی للدراسات. «تقریر تحلیلی: الحزب التركستاني خارج لوائح الإرهاب- دلالات وأهداف القرار الأمريكي». ۲۰ دسامبر ۲۰۲۱.

۴- هانی ریم (دسامبر ۲۰۲۴). «الایغور» تحت الضوء مجدلاً: عن «الهاجس» الصینی فی سوریا. جریده الأخبار.

5- Neil Hauer. “Chechen and north Caucasian militants in Syria”. Atlantic Council January 18, 2018. https://www.atlanticcouncil.org/blogs/syriasource/chechen-and-north-caucasian-militants-in-syria/

۶- ربیع، دیمیتری (۱ ایلول ۲۰۲۰). «الدور الشیشانی فی الحرب السوریة». مرکز حرمون للدراسات.

در کشور به‌وجود بیاید.... حرف این است که مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است؛ این با مبنای اسلامی سازگار نیست،»

اینکه چه مقدار این نهادها، سازمان‌ها و افراد در دفع این دغدغه‌ها و دستیابی به این اهداف موفق بودند، خود پروژه‌ای تحقیقاتی است که باید انجام شود؛ اما می‌توان برخی راهبردها را بازنگری و تدقیق کرد. هر از چند گاهی توجه مجسدد به وضعیت کلان پروژه اسلامی‌سازی علوم یا علم دینی می‌تواند تنفسی تازه به این جریان بدهد به‌ویژه زمانی که موفقیت‌ها هنوز محسوس نیستند و اتفاقاً برخی افراد و جریان‌ها نیز ابزار دل‌سردی و بعضاً شیطانی از فعالیت در این عرصه می‌کنند.

در اینجا می‌توان به بعضی راهبردها و اصول که شاید به آن‌ها کمتر دقت شده است، اشاره کرد:

۱. توجه به ادراک جبهه مقابل: هر پروژه‌ای با دیگری خود تعریف می‌شود. اساساً عدم توجه به وضعیت دیگری و آن تفکر و طیفی که در مقابل پروژه علم دینی یا علم انسانی اسلامی، کنشگری دارند، می‌تواند آسیب‌زا باشد. سؤال این است که «دیگری» پروژه علوم انسانی اسلامی در مورد این جریان و مجری‌سان آن چه فکر می‌کنند؟ آیا این پروژه را ایدئولوژیک می‌دانند؟ این

پروژه علوم انسانی اسلامی و بازخوانی چند رویکرد

می‌کند که بیشتر تحقیقات در همان ساحت مبنایی مانند هستی‌شناسی و معرفت‌شناسسی و انسان‌شناسی و... خود را تعریف می‌کنند و خبر چندانی از مسائل انضمامی نیست.

۳. توجه خاص به وجه بین‌الملل: عمده تلاش پروژه علوم انسانی اسلامی و به‌طور کل تحول علوم انسانی به تقابل و مواجهه با دیگری (other) خود در ایران شده است و حال آنکه اساساً ادعا این است که این جبهه مقابل، پیرو علم غربی و وارداتی‌اند. پس باید دیگری اصلی پروژه علوم انسانی اسلامی را غرب دانست و از آنجا مواجهه (نقد و تولید) را آغاز کرد. اگر علم اسلامی از خارج وارد ایران شود (یعنی از اینجا برود در فضای گفت‌وگوی بین‌الملل خود را نشان دهد و توسط خود بیرونی‌ها بازگردد)، دیگر نگرانی‌ای از مقاومت جبهه مخالف داخلی وجود ندارد. اساساً وجه بین‌الملل وجه معقول عمده فعالیت‌های ماسست و در علوم انسانی اسلامی به مراتب ضعیف‌تر است. ضمن اینکه اگر بپذیریم به این وجه توجه هم شده است، نهایتاً تعدادی رشته از فارمسی یا تعدادی نشست مشترک است. مهم توجه به این رویکرد است که گفت‌وگوی علم انسانی اسلامی و علم غربی اگر در فضای تولیدشده علم غربی انجام گیرد، دیگر نگرانی چندانی برای مقاومت شکل گرفته در درون وجود نخواهد داشت.